

رسول سپهر

لاهیجان

شیخ عبدالقادر جیلانی

نامش عبدالقادر بود و در علم و عرفان از نوادر و نام پدرش ابی صالح جیلانی و جیلانی معرب گیلانی است کتاب ریحانته الادب نوشته است که بعضی او را از اهل دجیل دانسته اند دجیل قریبای در بغداد است اما آنچه مسلم است عبدالقادر جیلانی گیلانی بوده و سلسله قادریه در طریقت بدو منصوب است. و قطب و پیشوای طریقه قادریه و مرید شیخ احمد دہاس بوده و علوم ادبی را نزد ابو ذکریای تبریزی آموخته و دیوان شعری نیز دارد که بنام (غوث اعظم) معروف است.

و تالیفات دیگر او عبارت است از: اشعار و اشعار دیگر که در قاهره و اسکندریه چاپ شده غنیة الطالبین که در مکه و قاهره چاپ شده الفتح الربانی و الفیض الرحمانی در تصوف که در قاهره چاپ شده فتوح الغیب در تصوف که در استانبول چاپ شده فیوضات ربانیة فی الاوارد القادریہ کہ در مصر چاپ شد. و کتابی نیز بنام ملفوظات جیلانی دارد. او مردی بزرگوار بوده و از بزرگان روزگار بشمار می آمده است. از گفتار او است:

کره ازض را بمن مسلم داشتند اینک شرق و غرب و برو بحر مرا بقطیبت خطاب میکنند.

ولادت او ۴۷۰ یا ۴۹۰ هجری وفات او ۵۶۰ یا ۵۶۲ هجری واقع شد.

شاهفور

شاهفور بن محمد نیشابوری یکی از شعرای نامی است که اشعارش دارای مضامینی دلکش بوده و در عصر سلطان محمد تکش میزیست در تذکره دولتشاه سمرقندی آمده است که در دربار تکش منصب انشاء بدو متعلق بوده و رساله شاهفوری بدو منسوب است و نسب وی بعمر خیام میرسد. و در سال ۶۰۰ هجری در تبریز وفات یافته در جنب خاقانی مدفون است.

شعر زیر از او است که در وصف الحال نورالدین منشی وزیر سلطان جلال الدین که دائم الخمر بود گفته:

فضل تو و این باده پرستی با هم مانند بلندی است و پستی با هم
حال تو به چشم ماهرویان ماند کانجا است مدام نور و مستی با هم

و این غزل نیز از او است به اختصار:

روزگار آشفته تر یا زلف تو یا کار من
ذره کمتر یا دهانت یا دل غمخوار من

شب سیه تر یا دلت یا حال من یا حال تو
شهد خوشتر یا لبث یا لفظ گوهر بار من

نظم پروین خوبتر یا در و یا دندان تو
قامت تو راست تر یا سرو یا گفتار من

وصل تو دلجوی تر یا شعرهای نغز من
هجر تو دلسوزتر یا ناله های زار من

مهر و مه رخشنده تر یا رای من یا روی تو
آسمان گردنده تر یا خوی تو یا کار من

وعدہ نوکوژنر یا پشت من یا ابرویت

قول تو بی اصل تر یا باد یا پندار من

صبر من کم یا وفای نیکو ان یا شرم تو

خوبی تو بیشتر یا انده و تیمار من

این بود شرح حال مختصری از شاعری بزرگ بمأخذ تذکره دولتشاه

سمرقندی.

بنابر این نوع شعر را در صنعت بدیع، الثفات نامند و الثفات در لغت روی

برگرداندن و بچیزی توجه کردن است، و در علم بدیع از مطلبی به مطلب دیگری

از مخاطب بغایب و یا از غایب به مخاطب توجه کردن را گویند.

و در قرآن کریم آیه شریفه . ایاک نعبد و ایاک نستعین را از بدیع ترین نوع

الثفات شمرده اند، و بیت زیر نیز نمونه نوع الثفات است از سعدی:

مه است این یا ملک یا آدمی زاد توئی یا آفتاب عالم افروز

ترجیح بند سعدی همین طور مثل زمزمه جوئیاری مترنم بگوش

میرسد و مشخص آنرا مانند آب گوارائی مینوشد. در خاتمه باید اضافه

کرد که در غزلهای جمال الدین امر بدین حال نیست. او مانند انوری

یکی از بهترین غزلسرایان قبل از سعدی و محققاً از مراحل تکامل غنائی

سعدی بشمار میرود و سرمشق استوار و قابل اتکائی برای وی بوده

است. (قلمرو سعدی)